

موجبات ترقی و توسعه میهنی هنر در ایران

شاهنشاهی ایران : دستار هنر و پشتیبان هنرمند

«... شاه شمس‌الدین در دست تاپاسی از شب بیداری نشست

تا هنرمندان در نور شمع او بکار پردازند...»

یحیی ذکا

رئیس موزه مردم شناسی

هنری که از روزگاران گذشته تا با امروز برجای مانده و بدست ما رسیده است اغلب شاهکارها و نمونه‌هایی است که بدستور و تحت توجه و تشویق پادشاهان بزرگ و امرای با ذوق و هنرپرور ساخته و پرداخته شده است و همواره نمونه‌های عالی آثار هنری در دامن دربارهای ایران پرورش یافته و بالیده است. رفیع‌ترین و زیباترین کاخها و مسجدها و ساختمانها برای پادشاهان یا بامر و تشویق آنان بوجود آمده است، بهترین و نفیس‌ترین قالی‌ها و قالیچه‌ها برای مفروش کردن همان کاخها و بناها بافته شده است، عالی‌ترین ظرفها و ائاثیه برای مصرف آنها ساخته شده است، بهترین مخمل‌ها و زری‌ها و حریرها برای تن‌پوش شاهان و امرا آماده شده است، عالیترین کتابها و خط‌ها و نقاشیها و تذهیب‌ها برای کتابخانه‌های پادشاهان نوشته و نقاشی شده است.

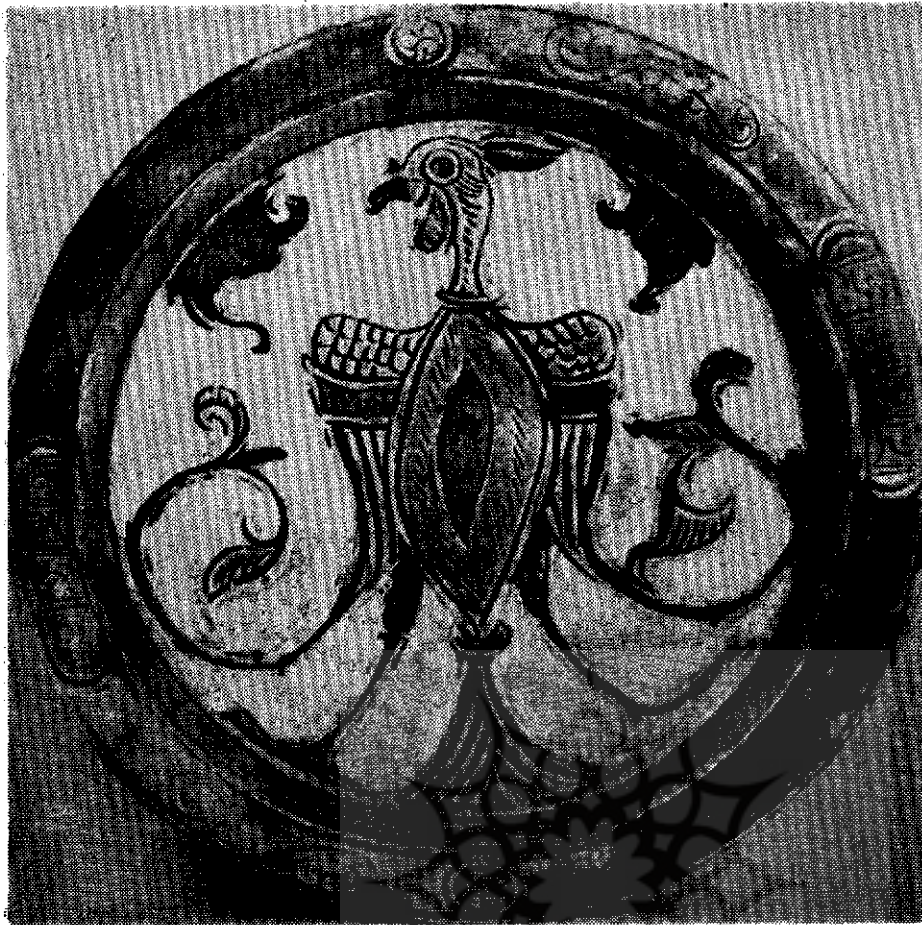
تاریخ و آثار بازمانده، خود بهترین گواهند که هر اندازه این توجه و رغبت، این تشویق و تحسین، در حق هنرمندان بیشتر مبذول گشته، همان اندازه هم، هنر و صنعت و ذوق و استعداد که در واقع نماینده روح حقیقی يك ملت است رو به ترقی و پیشرفت نهاده و اثرات عالی بی‌آوردده است.

شواهد در تاریخ هنر ایران برای اثبات این مدعا بسیار است و برای مثال میتوان ترقی و توسعه میهنی صنایع ظریفه و هنرهای ملی را در بین قرنهای هشت و یازده هجری تحت مطالعه در آورده،

از مطالعه دقیق در تاریخ هنر و خصوصیات زندگی و روحیه هنرمندان ایران و پی‌جویی در علل تنزل و ترقی هنر در این سرزمین چنین بدست می‌آید که همواره اصل توجه و تشویق و فراهم آوردن محیط و وضع مساعد برای هنرمند در این کشور یکی از عناصر مهم پیشرفت و ترقی هنر بوده است. اصولاً در عهدهای گذشته بندرت اتفاق می‌افتاده است که هنرمندی برای ارضای ذوق و میل باطنی خود، استعداد هنریش را بکار اندازد و تنها برای حظ نفس خویش اثری بیافریند.

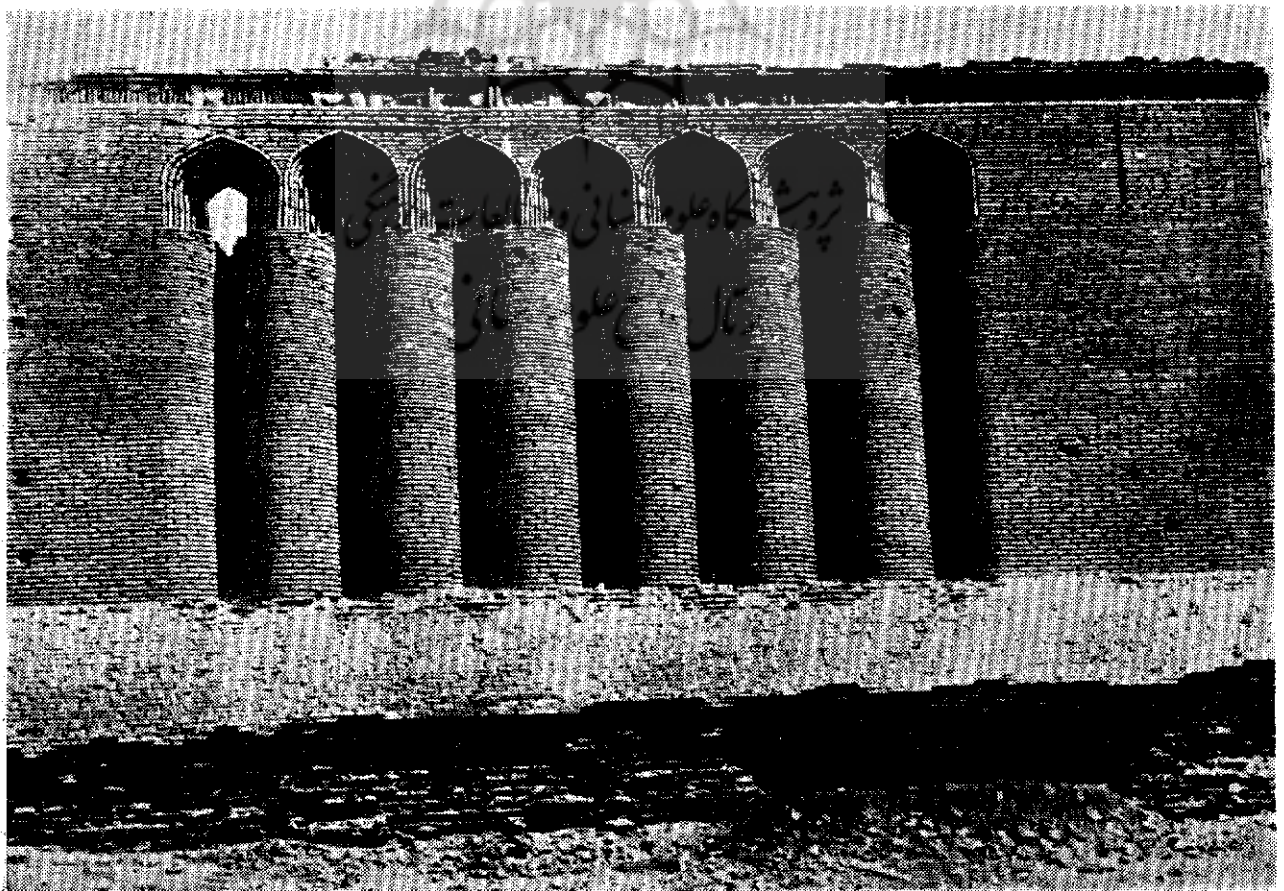
هنرمند ایرانی همیشه در پی محرکی می‌گشته و جویای محوری بوده که پروانه‌وار دور شمع وجود او پیرواز در آمده، مایه جان و شیره استعدادش را در پای آن نثار نماید. او همواره تشنه توجه و تربیت و تشویق بوده، تا غنچه استعدادش بشکفتد و با دستهای هنرمندش بخلق بدایع صنایع پردازد.

از مطالعه چگونگی دوره‌های پیشرفت هنر ایران، مشاهده می‌گردد که هرگاه پادشاهان مقتدری ظهور کرده، به هرج و مرج‌ها پایان داده، آرامشی در کشور پدید آورده، محیط مساعدی برای نشوونمای هنرمندان که باید با آرامش خاطر و بی‌دغدغه خیال بکار پردازند، بوجود آورده‌اند، آن هنگام هنر نیز بجنب و جوش افتاده در راه تنوع پیشرفت گام برداشته است. انکار نمیتوان کرد که بسیاری آثار با ارزش



بشقاب کنده کاری شده رنگارنگ.
قرن یازدهم میلادی. موزه
برلن

رباط ملك، نیمه دوم قرن
یازدهم میلادی



سهم این قبیل هنرپروران را در پیشرفت و ترقی هنر این دورانها تعیین نمود .

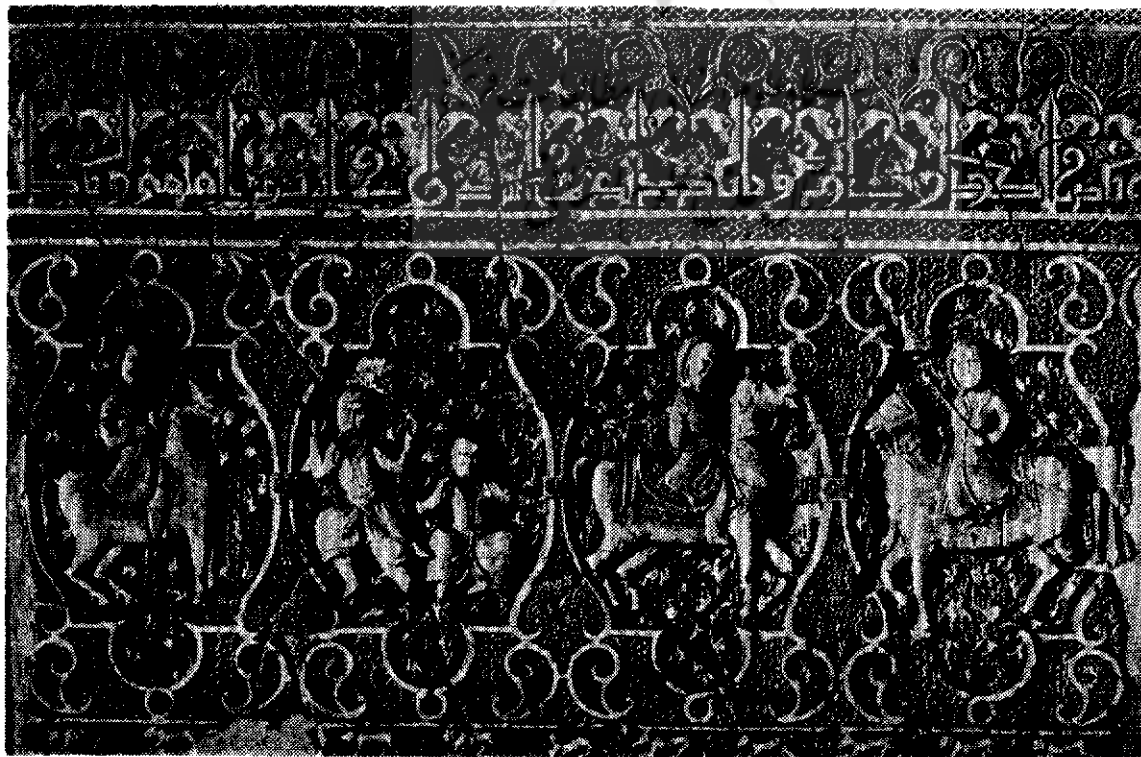
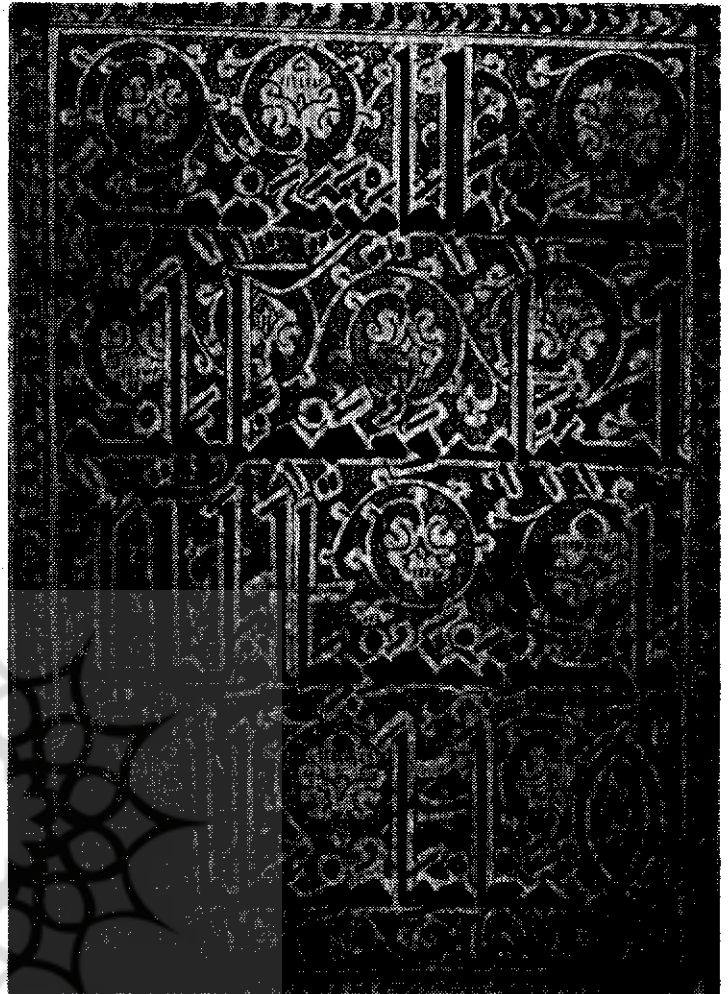
امیر تیمور مؤسس سلسله کورکانی با آنکه اصولاً مردی سفاک و خیره کش بود ولی امیری هنردوست بود ، وی در ضمن فتح شهرها و تصرف بلاد اسلامی ، هر جا هنرمند ماهری سراغ میگرفت او را پیش خود خوانده ، بپایتخت خود سمرقند روانه میکرد . او میخواست ، سمرقند را عروس شهرهای آسیا گرداند و درباری باشکوه و جلال پدید آورد . اجتماع هنرمندان از نواحی و نقاط مختلف در سمرقند ، رفته رفته خود انجمنی از اینگونه مردم با ذوق و استعداد ، در ماوراءالنهر فراهم آورده سطح هنر را در این گوشه از ایران چنان بالا برد که نتایج مشعشع آن چندین سال بعد مشهود افتاد .

شاهرخ فرزند تیمور که برخلاف پدر ، مردی مهربان و ملایم و جهاندار و علم دوست بود در شهر هرات مقر امارت خود ، کتابخانه یا باصطلاح امروز هنرستانی بوجود آورد که همه گونه مردم از ارباب صنایع در آن جمع بودند ، و بر اثر تشویقها و هنرپروریهای او شب و روز در خلق آثار بدیع میکوشیدند .

بعد از شاهرخ فرزندان و نواده های او نیز که بکتاب دوستی

صفحه یی از قرآن بخط کوفی و مذهب . قرن ۱۲ - ۱۱ میلادی .
مجموعه چستریتی

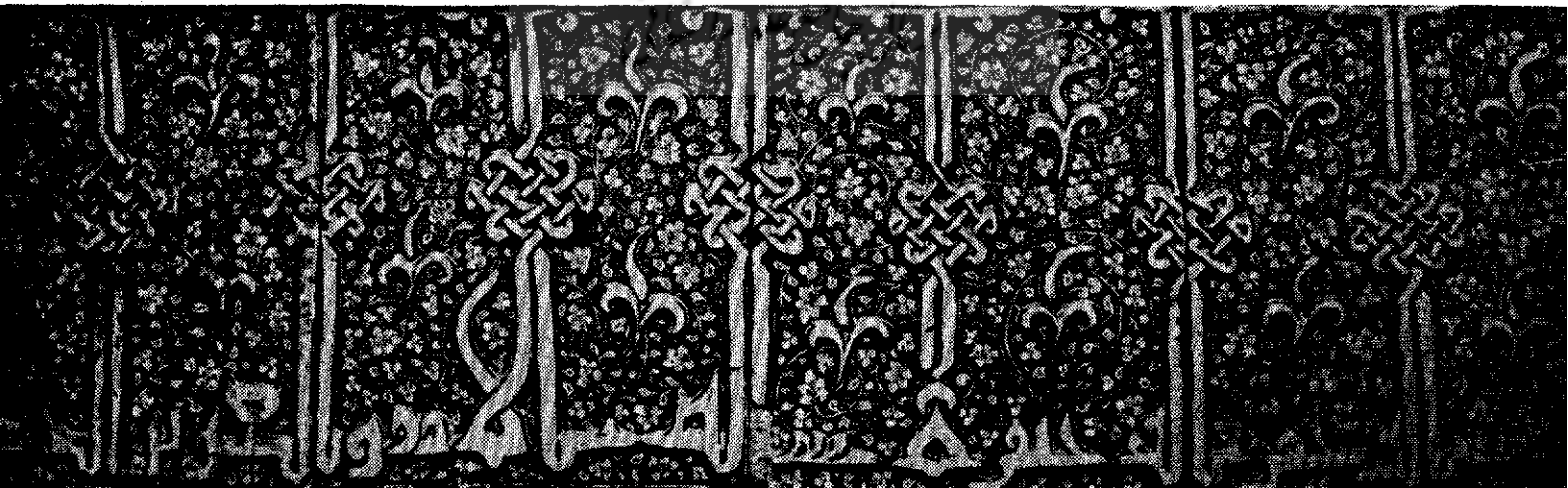
گچبری که گفته شده از ساوه بدست آمده است . قرن ۱۲ یا ۱۳ میلادی .
موزه هنرهای زیبای بوستن

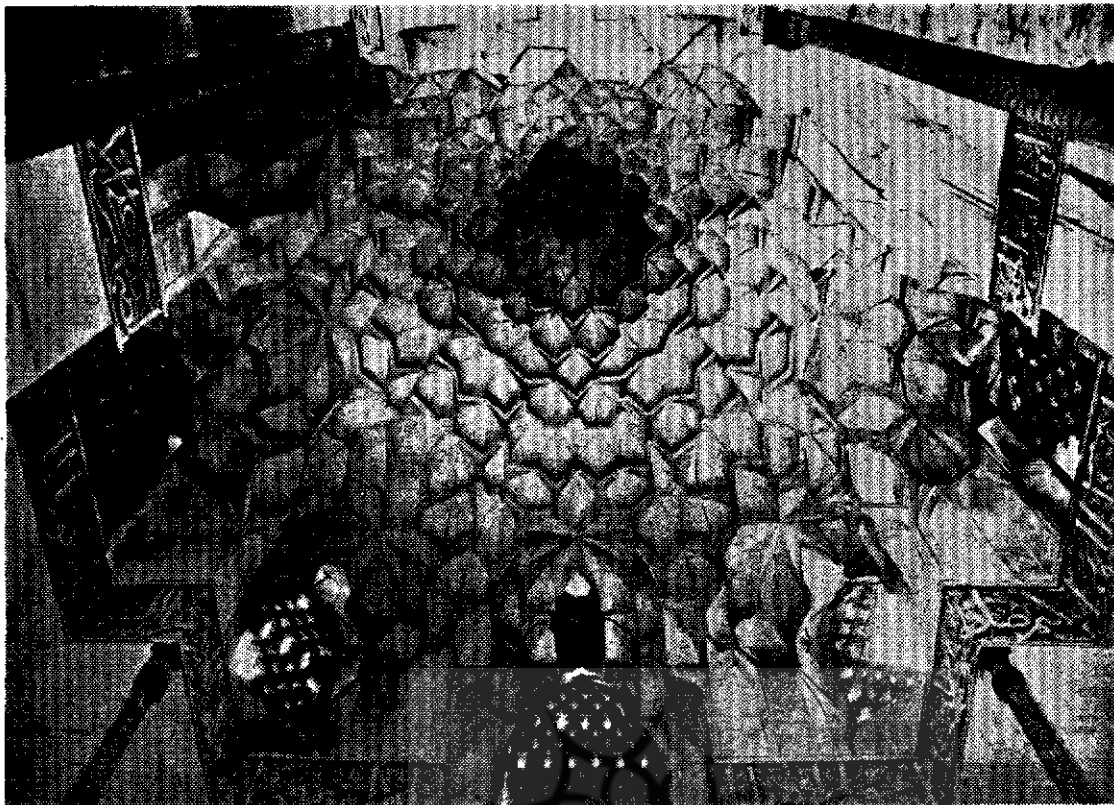




سینی برنجی زرکوب
وسیم کوب. قرن سیزدهم
میلاادی، موزه ایرانستان

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کتابخانه کاشی با خط کوفی تزئینی برجسته. کاشان، قرن ۱۳ میلادی، مجموعه گدمان





بالا: مقرنس کاری مزار شیخ عبدالصمد اصفهانی درنظنز .

۷۰۷ هجری قمری

چپ: شمسه صفحه اول قرآن، نوشته شده درمراغه درشوال ۷۳۸ هجری قمری، مجموعه چستریتی



و هنرپروری و گاهی بهنرمندی شهره آفاقند همین شیوه را پیشه خود ساختند و سرانجام کار را بجایی رسانیدند که هرات را مرکز مهم هنر و هنرمندان آن زمان ساخته، محیطی بوجود آوردند که هنرمند بزرگی چون کمال الدین بهزاد در آن بوجود آمد و با آثار و شیوه تازه اش شهره جهان گشت.

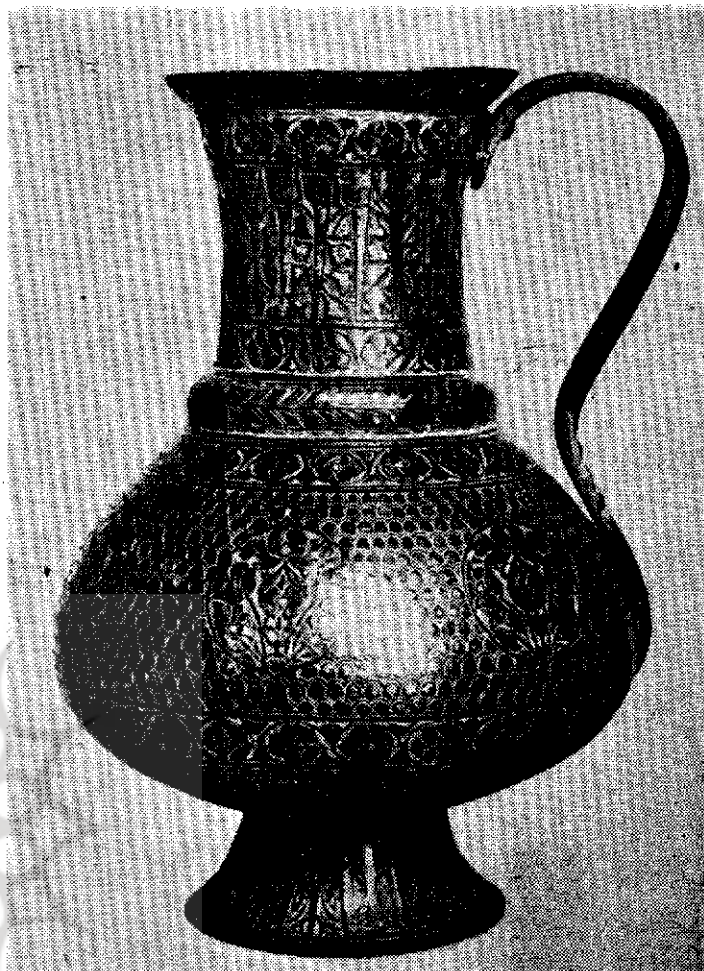
برخی از شاهزادگان کورکانی علاوه بر هنردوستی و هنرپروری، خود هنرمند نیز بودند، بای سنقر میرزا از استادان مسلم خط ثلث بود، و نمونه خط او در کتیبه های مسجد گوهرشاد-مشهد، هنوز چشمهای هنردوستان را روشنی می بخشد. شاهنامه ای که بدستور این شاهزاده نوشته و نقاشی شده و اینک در کتابخانه سلطنتی محفوظ است یکی از شاهکارهای هنر ایران بلکه جهانست.

خلاصه مطلب آنکه، در این دوران بر اثر تشویق و ترغیب این پادشاهان و شاهزادگان، بازار هنر و هنرمندان چندان گرم شده، رواج یافت که ما در این زمان بیش از هر وقت دیگر بنام و آثار هنرمندان استاد و ماهر در رشته های مختلف هنری برمی خوریم و بیش از هر دوره دیگر، شاهکارهای هنری از آن زمان بیادگار داریم.

پادشاهان صفوی نیز درحقیقت در امر تشویق هنرمندان و توجه به هنرهای ملی تأسی باین خاندان کرده و وارث هنرپروری آنان بودند و با مساعی خود در این امر مهم باعث آمدند که مراکز هنری و هنرستانهای دیگری در سایر شهرهای ایران پدید آمده ، بردامنه و تنوع هنر ایران بیش از پیش افزوده گردد .

نوشته‌اند شاه اسمعیل صفوی لشکر بهرات نکشید مگر برای بچنگ آوردن کمال‌الدین بهزاد . چنانکه بمحض دست یافتن بر این استاد ، او را با عزت و احترام تمام ، همراه خود به تبریز پایتخت خویش برد و بوجود این هنرمند عالیقدر ، مکتب نقاشی تبریز ، جانی تازه گرفت و رونقی بسزا یافت و بهزاد در آن شهر ، شاگردانی پرورش داد که هر یک چون خود استاد شهره جهان گشتند .

میگویند شاه اسمعیل بهزاد را چندان عزیز و دوست میداشت که حتی حاضر نبود او را با نیمی از کشور خود عوض نماید ، و باز نوشته‌اند که پادشاه صفوی ، او و خوشنویس معروف «شاه محمود نیشابوری» را در سفر و حضر و حتی در میدانهای جنگ نیز همراه خود داشت و در حفظ و حراست آنان سخت اهتمام می‌ورزید ، چنانکه در جنگ چالدران دستور داد آندو را در صندوقی محکم مخفی و محفوظ نگاهدارند تا از تیر و حمله دشمن آسیبی نبینند و چون هنگامه جنگ فرونشست و شاه مغلوبانه بار دو گاه بازگشت ، در آن حال و وضع ، نخستین سؤالی که از اطرافیان خود کرد حال و خبر سلامت آن دو هنرمند بود ، آری بر اثر همین گونه توجهات و پاسداریها بود که



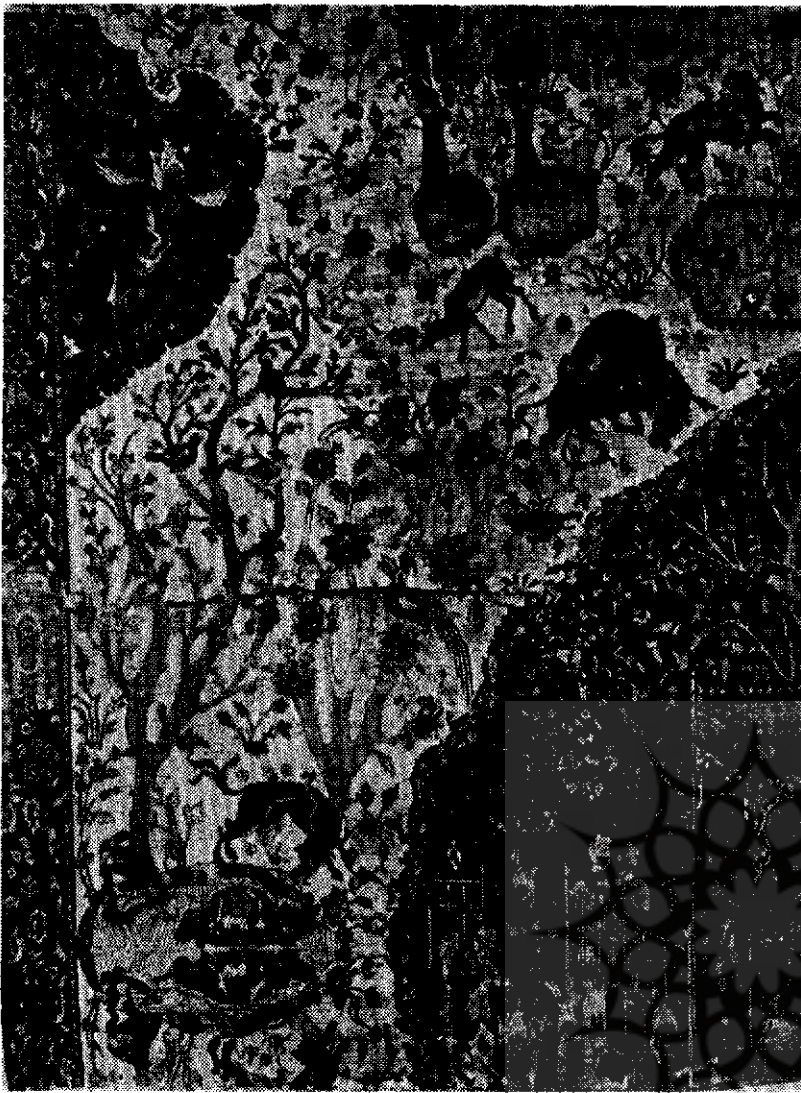
بالا: پارچ برنجی سیم و زرکوب
وکنده کاری شده قرن یازدهم میلادی ،
مجموعه کلکیان



راست: مینیاتور همای و همایون ، نقاشی
روی ابریشم بسبک مکتب هرات ، ۸۳۳
هجری قمری ، مجموعه کتس دوپهاگو



نمونه‌ای از خط شاه محمود نیشابوری، خوشنویس قرن دهم هجری، موزه هنرهای تریبینی



قسمتی از قالی با نقش شکارگاه بافت تبریز. ربع دوم قرن میلادی، مجموعه بارون هاتوانی

و امیداشتند. بهترین نمونه اینگونه هنرپروران شاهزاده ناکام سلطان ابراهیم میرزای صفوی بود که در حق او نوشته‌اند: «از مستعدان روزگار بانواع فضل و کمال آراسته و بفنون هنرپروری پیراسته بود، خط نستعلیق را بسیار خوب مینوشت، مصور نازک‌قلم بود، در موسیقی و علم ادوار سرآمد روزگار، در تصنیف قول و عمل شاگرد مولانا قاسم قانونی بود، ساز را خوب مینواخت و در صنعت درودگری و ساز تراشی و خاتم‌بندی مهارت تام داشت و در خراسان اکثر اوقات با شعرا، و از باب نظم و بلاغت صحبت میداشت و خود جاهی تخلص میکرد». از مشوقین بزرگ هنرمندان، شاه عباس بزرگ را باید نام برد که دوره پادشاهی او یکی از دوره‌های هنری بسیار مهم ایران است. در عهد او بسیاری از هنرها و صنایع پیشرفت شگفت‌آوری نمود و سراسر تربیت و تشویق‌های او استادان

هنرمندان از هر گوشه جهان و کشور رو بدربار پادشاهان ایران می‌آوردند و بر اثر تشویق و ترغیب آنان شاهکارهای بی‌نظیر و ارزشمندی بوجود می‌آوردند که امروزه موزه‌های مهم جهان بداشتن قطعه‌یی از آنها برخوردارند.

شاهان و شاهزادگان دیگر صفوی نیز بنوبه خود، بمؤسس سلسله، تأسی‌جسته، همواره در بزرگداشت هنرمندان و پیشرفت دادن هنرهای ملی سخت کوشا بودند.

شاه طهماسب اول خود در زبردست بهزاد و آقامیرک، نقاشی فرا گرفته بود و بسیاری از شاهزادگان صفوی ذوقفون بودند یعنی علاوه بر اینکه در میدان جنگ مردانی رشید و جنگاور بودند از هنرهای گوناگون همچون نقاشی و موسیقی و خطاطی و خاتم‌بندی و شعر و ادب بهره‌مند بودند و هر یک از آنان گروهی از هنرمندان را بدور خود گرد آورده به خلق آثار زیبا و بدیع

و هنرمندان بزرگی همچون میرعماد و علی رضای عباسی در خوشنویسی و رضای عباسی در نقاشی و غیاث نقش بند در زری بافی بظهور رسیدند و گنجینه هنر ایران را غنا بخشیدند .

در مورد اهتمام و توجه او به هنر و هنرمندان داستانهای بسیاری هست از جمله نوشته اند : وقتی یکی از نقاشان استاد ، يك قطعه نقاشی عالی معروض حضور داشت ، شاه چنان از چیره دستی و هنرمندی او مبهور گردید که بی اختیار دست هنرمند را بر لبان خود نزدیک کرده بوسید .

باز می نویسد که بارها تا پاسی از شب ، شمعدان در دست گرفته پهلوی استادان نقاشی و خوشنویسان می نشست تا هنرمندان در نور شمع او ، بکار پردازند .

شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۳۸) بفرآ گرفتن نقاشی غربی اشتیاق فراوان داشت ، نماینده شرکت هلندی در اصفهان دو نفر نقاش بخدمت وی گماشت تا باو نقاشی آموزش دهند و شاه بارها نمای این دو تن در نقاشی دست یافت و هنوز کبوتری که اثر دست اوست و در « قلعه کلا » بسال ۱۰۴۵ ه . ق . نقاشی شده است در مجموعه موزه سلطنتی گلستان محفوظ است .

آری بر اثر اینگونه تشویقها و هنرپروریها بود که هنر و صنایع ایران در دوره صفوی چنان پیشرفت کرد که در تاریخ هنر ایران کمتر نظیری بر آن میتوان یافت .

سه شکارچی ، بامضای رضای عباسی ، اواخر قرن ۱۶ میلادی

پایین : تصویر کبوتر - آبرنگ ، کار شاه عباس دوم ، موزه سلطنتی گلستان

